

کارگران پالایشگاه — دروغ پردازی رژیم و چماق ارتش

یکشنبه شب (۵۹/۱۲/۳) تلویزیون اصفهان اعلامیه استانداری را بر علیه " فدائیان بیون " و " توطئه گرانی " که میخواهند کارخانجات را به تعطیل بکشانند بگوش مردم رساند . اعلامیه تهدید مینمود که با این " توطئه گران " مطابق قوانین زمان جنگ رفتار خواهد شد .

چه شده ؟ چه خبر است ؟ کسی نمیداند ! و اعلامیه جناب استانداری هم در این باره چیزی نمیکوید .

صلح دوشنبه (۵۹/۱۲/۴) کارگران پالایشگاه که با سرویس به محل کار میرفتند ، در سه راهی پالایشگاه با کامیونهای ارتش و نظامیان اسلحه بدستی مواجه شدند که آمد و رفت را کنترل میکردند . آنها " توطئه گران " در میان کارگران بودند و با دولت خود کارگران را توطئه گرمیداند . کارگران پالایشگاه کم کم به اصل قضیه پی میبردند .

شورای کارکنان پالایشگاه های تهران ، شیراز و اصفهان ، طبق قرار قبلی میخواستند مجمع عمومی خود را در محل پالایشگاه اصفهان برگزار کنند و یادی حکومتی که از کوچکترین حرکت جمعی کارگران ترس مرگ بر آنها دست میدهد ، به تکیه افتاده بودند تا جلوی این کار را بگیرند . از اعلامیه هراس دروغ استا-
ندار " مکتبی " تا صبح ارتش و ممنوعیت ورود نمایندگان شورای کارکنان به محیط پالایشگاه و اطلاعیه ها و اخطاریه های علاقه بند رئیس مزدور پالایشگاه ، و التماس و تهدید شورای اسلامی و ... همه و همه بر این اساس بود که جلوی تشکیل مجمع عمومی کارکنان پالایشگاه ها گرفته شود .

ولی علیرغم تمام این فشارها مجمع عمومی در اس ساعت یک با حضور نمایندگان شورا های کارکنان و شرکت بیش از ۷۰۰ نفر از کارگران و کارمندان پالایشگاه در محل پارکینگ (بیرون پالایشگاه) تشکیل شد و جناب استانداری که تا این لحظه در کنار علاقه بند به توطئه چینی مشغول بود ، شکست خورده و فرار شد تا اینجا کارگران پالایشگاه درسهای آموزنده ای گرفتند . آنها آشکارا فریبکاری رژیم جمهوری اسلامی و توسل رژیم به چماق ارتش برای سرکوب خود را مشاهده نمودند . ارتش شاهنشاهی که به اسلام گرویده است و آن همه از طرف آیت الله ها و حجت الاسلام ها و فقهاء اسلام ها آت تبرک بر آن باشیده شده ، با کوچکترین حرکت کارگران ، نقش اصلی خود را که همان سرکوب مبارزات کارگران و بخون کشیدن مردم زحمتکش است را دوباره و چندباره بروز میدهد .

کارگران همچنین آموختند که زمانی که متحدان و یگدل اراده کنند ، هیچ قدرتی را توان ایستادن در مقابلشان نیست . همانکه کارگران پالایشگاه اراده کردند و مجمع عمومی تشکیل شد و تمام فریبک-

رہبها و توطئه چینی های استانداری ، علاقه بند شورای اسلامی و ارتش دود شد و به هوارفت .

مجمع عمومی تشکیل شد و در جریان آن باز هم کارگران پالایشگاه درسهای بیشتری آموختند ما لازم دانیم کارگران دیگر موسسات را از این درسها بی نصیب نگذاریم .

شورای کارکنان پالایشگاه ها ، طی قطعنامه ای که " انقلاب اسلامی " و " رهبری امام خمینی " را تائید مینمود ، خواسته های خود را مطرح کرد . این جریان تائید و تکریم حکومت ، بهمدار هوسال که حکومت اسلامی هر روز حیات سیاه آن توام با سرکوب مبارزات کارگران ، بخون کشیدن خلق قهرمان کرد و دیگر خلقها و کشتار کارگران مبارزی همچون ناصر توفیقیان ، ناصر طرطلحان و ... هر اراکین انقلابی دیگر بوده است . دوسالی گسسه گرانی ، فحطی و بیکاری و در یک کلام بحران نظام سرمایه داری وابسته به امپریالیسم فشار خود را بیشتر از هر قشر و طبقه ای بردوش کارگران وارد آورده است دوسالی که ... بعد از این مدت که ماهیت جمهوری اسلامی بیش از پیش آشتمی شده است جریان تائید و تکریم " انقلاب اسلامی " و " رهبری خمینی " کارگران را به یاد گذشته میاندازد که در تجمعات خود برای آنکه مورد سرکوب رژیم واقع نشوند نهایی " جاوید شاه " را سر میدادند .

ولی کارگران باید هوشیار باشند که اشتباهات گذشته را تکرار نکنند و زیر بار چنین توهمی نروند آنها باید در هر تجمعات رژیم جمهوری اسلامی سرمایه و ظلم و ستم و سفاکی ها و حق کشی های آنها به محاکمه بکشند و ذهن خود را نسبت به مسائل جامعه روشن نمایند .

و اما خواسته های شورای کارکنان چه بوده است ؟ ما آنها را به ترتیب میآوریم :

۱ - تقاضای دیدار امام (کارگران با خود می-
گویند آخر این چه خواسته بوج و بی فایده ای است)

۲ - بررسی خواسته های کارکنان

۳ - بررسی عمل اخراج نمایندگان کارگران و مطلق کردن بعضی از کارکنان .

۴ - تفسیر مدیریت تحمیل شده از طرف رهبر پالایشگاه

۵ - اخراج رئیس پالایشگاه .

خواسته های شورای کارکنان فقط همین ها بودند ! هر کارگر فکوری با اندک دقت متوجه انحرافی بودن این خواسته ها و عدم توجه شورای کارکنان به خواسته های واقعی کارگران میگردد .

از تقاضای بی مورد اول که بگذریم ، بقیه خواسته هادر این عبارت خلاصه میشود که :

" ما از مقامات حکومتی تقاضا میکنیم که بذل

اقدام جنایتکارانه حزب دمکرات را محکوم نمائیم!

که ما به برخورد این رفقا با حزب داریم (کمونیستهای واقعی وقتی مشاهده نمودند که یک حزب فدائینقلابی که رهبری آن از دشمنان رنگارنگ خارجی الهام میگرفت بر علیه جمهوری اسلامی ضد خلقی میجنگد هیچ وقت دچار این توهم نشدند که این حزب را جزء دشمنان مردم بحساب نیاورند . حزب دمکرات همانگونه که در کارنامه رئیس جمهور آمده است و همانطور که یکی از نمایندگان مجلس جدیدا افشاء کرده است ، مدتیست که در ادامه مشی سازشکارانه خود در پی مذاکره با بنی صدر و کوشش برای به بن بست کشیدن مبارزه خلق ایران و از جمله خلق کرد است بنظر ما این اقدام جنایتکارانه جدا از توطئه مشترک این حزب و لیبرالها ، بخصوص باند بنی صدر نمیباشد .

همچنین سازمان مجاهدین که امروز دنباله رو سیاستهای لیبرالهای ضد خلقی شده اند باید بخلق ایران در مورد این جنایت پاسخ دهند . چرا که آنها از روی تائید و تمجید با رهبری خائن این حزب مصاحبه بعمل آورده اند . گو اینکه مجاهدین خلق تا بحال در برابر کشت و کشتار رژیم نسبت بخلق کرد و انقلابیون رزمنده خائفانه سیاست سکوت را در پیش گرفته اند . اما چون این جنایت بلافاصله بعد از مصاحبه آنان با رهبری این حزب خیانت پیشه بعمل آمده است ، ما از سازمان بقیه در صفحه ۲۲

روز پنج شنبه هفتم اسفند ماه طی یک نقشه ویرانه حساب شده یک دسته بزرگ از عوامل حزب فدائینقلابی دمکرات مقر سازمان پیکار در یوکان را با عملیات فاشیستی خود زیر آتش رگبار مسلسل و آر پی - بی - ۷ گرفتند و بدین وسیله پس از بهلاکت رساندن حداقل سه تن از رفقای پیکار و چهلین نفر زخمی و دستگیری ۴۰ نفر دیگر ، مقر را با شغال خود در میاورند . همانگونه که در شماره ۱۲ ارگان خود بدرستی مشی حزب دمکرات را " فدائینقلابی " و پایگاه طبقاتی آنرا " فئودالها ، ملاکین و بورژوازی ارضیایی " نمودیم . هیچگونه تمجیبی از این حملات فاشیستی حزب دمکرات بر علیه سازمان پیکار که یکی از سازمانهای کمونیستی و غارچشم همه دشمنان خلق دشمنان سوسیالیسم است ، ننمودیم . حزب دمکرات فدائینقلابی همانگونه که تا بحال بر اساسی مشی بورژوازی وائی خود در خدمت فئودالها و ملاکین و اشغال بوده و همانگونه که در مقابل خواستهای انقلابی دهقانان دست پیرگوب آنان زده و همانگونه که نیروهای خود را در خدمت اسکورت نمودن ارتش ضد خلقی " بکردستان بکار گرفته و همانگونه که تا بحال سرمشقا بسیار از درگیریها و مقابله جوشها بر علیه همه نیروهای انقلابی بخصوص سازمان کمونیستی کومه لسه بوده ، اینبار نیز همچون گذشته ضربه دیگری بر پیکر انقلاب وارد نموده است (علیرغم انتقاداتی

ایران همواره در راه اسلام و پاسداری از خون عزیزانمان کوشیده و آمادگی خود را در اجرای او مرتان در هر لحظه اعلام میداریم

(جمهوری اسلامی ۲۶ بهمن)

قبل از هر چیز باید به این غربت زدگان بیچاره! آواره گفت: ما که ندیده ایم اما شنیده ایم که اسپاهیا آنطور ها هم جای بدی نیست و انسان در آن احساس غربت نمیکند بلکه به خاطر آب و هوای خوب و مناطق بسیار زیبا و ... جز و چند کشور انگشت شماری است که همه ساله " مستضعفین " مثل شما از همه کشورها حتما سری به آنجا میزنند و اگر بسیار " مستضعف " بودند (باز هم مثل شما) چند سالی هم در آنجا اطراق مینمایند . پس با این وجود غربت زدگان واقعی به گمانم کارگران و زحمتکشان " مستکبر " ! مقیم ایران باشند و تازه علیرغم اینها اگر هنوز هم آنجا احساس بقیه در صفحه ۱۳

پیام "اتحادیه مستضعفین" مقیم اسپانیا به امام خمینی

تمجیب نکنید آنچه که خواندید واقعیت دارد ! !
مستضعفین " مقیم اسپانیا . اینهم یکی از شگردهای رژیم جمهوری اسلامی است . این بها صطلاح مستضعفین که حتما از بازرگانان و تجار عمده ایرانی مقیم آنجا هستند در سالروز قیام ۲۲ بهمن پیامی بدین مضمون برای " امید مستضعفان جهان " فرستاده: " خدمت پدر کبیر انقلابان امام خمینی . ماه ر غربت با تمامی شفقی که در دل یک مسلمان است با تبریک این عید بزرگ خدمت شما و ملت قهرمان

برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق

بر رهبری طبقه کارگر